



گردو خاک زنانه در اولین مسابقه موتورکراس بانوان

دختران تک چرخ



لیلی پوراسکندر

«اولین»ها معمولاً در همه دنیا جذاب و تماشایی هستند؛ حتی اگر امکانات خوبی برای نمایش آنها هم فراهم نباشد. اگر این «اولین»، غیر عادی و برخلاف عرف روز موه باشد که باز هم به جذابیت آن افزوده خواهد شد. فکرش را بکنید، دخترها و زنان پشت فرمان موتورسیکلت پرشی و غران! برای اولین بار دختران موتورسوار در یک مسابقه واقعی به مصاف تیه‌ماهورهای شمال غرب تهران رفتند.

حالا مصاحبه نمی‌کنم

اضطراب اولین مسابقه آن قدر زیاد بود که هیچ کس حاضر به مصاحبه نمی‌شد. بالاخره بعد از کلی روحیه دادن دو نفر حاضر به گفت‌وگو شدند.

عکس‌ها: شاهین نویری

اهالی محله شهران تهران دیگر به رفت‌وآمد موتورهای شاسی بلند و پرسرودا عادت دارند و دیدن هفتگی موتورسوارها که روزهای تعطیل راهی تپه‌های پارک کوهسار تهران می‌شوند، چندان تعجب آنها را برنمی‌انگیزد. اما اگر پای موتورسواری زنانه در میان باشد حتی بسیاری از آدم‌های بی‌خیال هم زحمت طی کردن مسافت نسبتاً زیاد تا محل برگزاری مسابقه را به جان می‌خرند تا ببینند که دختران ماجراجو چگونه یک مهارت کاملاً مردانه را آموخته و حالا در مقام مسابقه هم برآمده‌اند. با اینکه خبر اولین مسابقه موتورکراس خانم‌ها در پیست قدیمی تهران در سطح وسیعی منتشر نشده بود اما صبح جمعه، هشتم آبان‌ماه جمعیت قابل ملاحظه‌ای در پارک کوهسار دور هم جمع شده بودند. نخستین مسابقه موتورکراس زنان به همت هیات اتومبیل‌رانی و موتورسواری استان تهران برگزار شد و باشگاه زانیار هم به کمک این هیات آمد تا همه چیز در استاندارد مناسب انجام شود.

مردان مبهوت

صبح جمعه فرصت خوبی برای استراحت است و رخوت خیابان‌ها هم این ماجرا را تایید می‌کند اما روز مسابقه حدود هزار و ۵۰۰ نفر خود را به پیست تهران رسانده بودند تا از ته و توی این داستان سردر بیاورند. پیست هزار و ۷۰۰ متری تهران با تپه‌ها و رمپ‌های مناسب آماده جدال بانوان موتورسوار بود. حتی تعدادی از پاراگلایدرسواران هم تمرین هفتگی خود را اول کرده و به ارتفاع پایین‌تر آمده بودند تا این مسابقه جالب را تماشا کنند. تعداد خبرنگاران، عکاسان و تصویربرداران تلویزیونی هم قابل ملاحظه بود. مسابقه با کمی تاخیر آغاز شد اما در فاصله حدود نیم ساعتی که تا آماده شدن همه شرایط سپری شد، هشت موتورسوار داستان ما با اضطراب و استرس اوضاع و احوال را می‌سنجیدند. در بین شرکت‌کنندگان دختری ۱۳ساله هم حضور داشت که از همه جوان‌تر بود اما در مورد مسن‌ترین رقیب پرسیدن کمی سخت بود. می‌دانید که خانم‌ها معمولاً سن و سالشان را لو نمی‌دهند! قرار بر این بود که هشت شرکت‌کننده به صورت هماهنگ یک دور آزمایشی بزنند و بعد دور اصلی مسابقه آغاز شود. این وسط همه منتظر رقابت یک مادر و دختر بودند که موتورسواری در خانواده آنها موروثی است!

محبوبه زینی ۲۷ساله شرکت‌کننده در کلاس ۸۵سی‌سی دربارۀ آشنایی‌اش با این ورزش گفت: «از سال ۸۵ معمولاً جمعه‌ها و سه‌شنبه‌ها برای تمرین با دیگر بانوان به پیست می‌آیم و به‌طور جدی این ورزش مهیج را پیگیری می‌کنم». از او درباره ترس از زمین خوردن و آسیب‌دیدگی پرسیدیم که گفت تا حالا یک‌بار زمین خورده که باعث آسیب‌دیدگی و نهایتاً مدتی استراحتش شده ولی او از خود این اتفاق ناراحت نبوده بلکه از اینکه باید استراحت می‌کرده و نمی‌توانسته سوار موتور شود ناراحت بوده! چون دوری از تمرین قدرت بدنی موتورسواران را کم می‌کند.

زینی از برگزاری این مسابقه خیلی خوشحال است و می‌گوید اصلاً مقام آوردن برای او اهمیت ندارد بلکه مهم این است که از این طریق مردم متوجه می‌شوند بانوان موتورسوار هم وجود دارند و می‌توانند بعد از این به حمایت مسئولان امید داشته باشند چون مسابقات موتورسواری مانند اتومبیل‌رانی نیست و مردان و زنان جداگانه مسابقه می‌دهند. ملیکا صادقی‌پور شرکت‌کننده دیگری است؛ دختر ۲۴ساله ظریفی که اگر او را در لباس موتورسواری نبینی، هیچ‌گاه ورزش کار بودنش، آن هم در این رشته را باور نمی‌کنی. صادقی‌پور می‌گوید یک سال است که بانورانراقی (موتورسوار کلاس ۱۲۵ سی‌سی) آشنا شده و به خاطر همسرش که او هم موتورسوار است، به این ورزش روی آورده. نکته جالب اینکه صادقی‌پور بعد از اولین تجربه موتورسواری‌اش کلی از ترس گریه کرده و امان اطرافیان‌ش را بریده ولی علاقه زیادش باعث شده بر ترسش غلبه کند و در کلاس‌ها و تمرین‌های موتورسواری شرکت کند.

رقابت آغاز می‌شود

بالاخره بیژن خراسانی، رئیس هیات تهران شرکت‌کنندگان را به خط استارت و تماشایچیان را به حاشیه‌مسیر دعوت می‌کند تا مسابقه با رسیدن پرچم استارت آغاز شود. پس از قرار گرفتن شرکت‌کنندگان در خط استارت و حضور ناهید جوکار؛ نایب رئیس فدراسیون موتور و اتومبیل‌رانی، فاطمه سلیمی؛ معاونت ورزش بانوان استان تهران و گرفتن چند عکس یادگاری، دور نمایشی آغاز شد. همه موتورسواران خوب شروع کردند جز یکی از آنها که موتورش دچار مشکل فنی شد. البته او هم بعد از دقیقه‌های به‌گروه اضافه شد. مسابقه با قدرت و هیجان همراه بود. البته اگر کسی اهل تماشای مسابقات موتورکراس هم نبود و بدون هیچ اطلاعی به پیست مسابقه سر می‌زد می‌توانست متوجه شود که این مسابقه با دیگر مسابقات تفاوت دارد. به هر حال زنان در موتورسواری هم ظرافت زنانه خودشان را دارند و حرکاتشان مثل مردان نیست.

دور نمایشی باقرار گرفتن تملی شرکت‌کنندگان بافاصله زمانی متفاوت به پایان رسید و پس از ۱۰ دقیقه پرچم استارت مسابقه اصلی زده شد. موتورسواران همه هماهنگ از خط گذشتند ولی یکی دیگر از موتورسواران در کلاس ۸۵سی‌سی زمین خورد اما سریع بلند شد و مسابقه را ادامه داد. این بار موتورسواران کمی جدی‌تر، آماده‌تر و هوشیارتر حرکت می‌کردند و به راحتی تفاوت تجربه را در موتورسواران می‌شد حس کرد. موتورسواران کلاس ۱۲۵ سی‌سی نسبت به ۸۵سی‌سی‌ها قوی‌تر و سریع‌تر حرکت می‌کردند که البته به وضعیت موتور آنها بر می‌گشت. این نکته خصوصاً در سراسیمی و سربالایی‌های پیست مشخص‌تر بود. احتیاط بانوان موتورسوار در پیچ‌ها و سراسیمی‌ها هم قابل درک بود؛ به‌طوری‌که به‌جز دو نفر، هیچ‌کدام حرکت پرشی انجام نمی‌دادند. مسابقه به همین ترتیب و بدون هیچ افت و خیز دیگری تمام شد و مسئولان برای معرفی نفرات برتر هر دو کلاس تماشایچیان را به سوی جایگاه‌اهدای جوایز دعوت کردند.

در نخستین مسابقه موتورکراس بانوان در کلاس ۸۵سی‌سی، محبوبه زینی نفر اول، یاسیناز احمدی نفر دوم و نیلوفر هاشمی نفر سوم شدند. در این گروه کس‌بسن‌وسال‌ترین‌ها شرکت داشتند.

در کلاس ۱۲۵ سی‌سی هم نورا نراقی نفر اول، شهرزاد نظیفی دوم و شیرین احمدی سوم شدند تا نامششان را به عنوان اولین قهرمان‌های موتورسواری بانوان در تاریخ این ورزش ثبت کنند.

قهرمان اولین مسابقات موتورکراس از زن ورزشی‌اش می‌گوید

از چهار سالگی سوار موتور می‌شدم

نورا نراقی - قهرمان اولین مسابقه رسمی موتورکراس زنان ایران - در تپه‌ها و بلندی‌های پیست تهران نشان داد که در مهار موتورسیکلت آهستین دست کمی از آقایان ندارد. او عضوی از یک خانواده کاملاً موتورسوار است که مشهورترین آنها یعنی مهرشاد نراقی، قهرمان قدیمی موتورکراس پدر اوست. همسر او هم یک موتورسوار قهار است و از همه عجیب‌تر اینکه مادرش هم آشنایی دیرینه‌ای با گاز و ترمز و تک‌چرخ دارد. چه خانواده ماجراجویی...!

● یادتان می‌آید که از کی سوار موتور شدید؟

من از چهار سالگی سوار موتور شدم. آن قدر کوچک بودم که حالا درست یاد نمی‌آید. در خانواده ما همه موتورسواری می‌کردند؛ حتی مادرم. البته در آن سال‌ها خیلی جدی نبود اما بعد از یک مدت تصمیم گرفتم حرفه‌ای‌تر به این ورزش بپردازم. حالا هشت- نه سال است که مرتب تمرین می‌کنم.

● با این کمبود امکانات؟

بله، واقعاً با این محدودیت‌ها خیلی سخت است. با این وجود مدتی است که تعداد موتورسواران خانم بیشتر و موضوع جدی‌تر شده.

● فقط در تهران؟

بله، فعلاً که چند نفری در تهران تمرین می‌کنند و آموزش درست دیده‌اند. شاید در شهرستان‌ها هم باشند اما من اطلاع دقیقی از آنها ندارم.

● از اول موتور کراس سوار شدید یا چیزهای دیگر هم بوده؟

نه، من از هسان اول با موتور کراس راندم. هیچ‌وقت هم در خیابان‌ها رانندگی نکردم چون به خانم‌ها گواهینامه نمی‌دهند. بنابراین از همان بچگی توی پیست‌های اطراف تهران سواری کرده‌ام؛ البته با تجهیزات کامل.

● کدام پیست‌ها؟

خب، ما را که به پیست آزادی راه نمی‌دهند. بنابراین در همین پیست تهران و البته پیستی که پدرم آن را درست کرده تمرین داشتم.

● علاقه باعث شد موتورسوار شوی یا اجبار؟

نه، اجباری نبود، خیلی علاقه داشتم. کلاً موتور را دوست دارم. تردم با آن راحت‌تر است و در ترافیک هم کمتر معطل می‌شود.

● ظاهرًا همسر آقای نراقی، یعنی مادر شما هم موتورسوار است.

بله، مادر من خیلی وقت است که موتور کراس سواری می‌شود. حتی قبل از دواج با پدرم هم گهگاه موتور سواری می‌شده؛ یعنی قبل از اینکه من به دنیا بیایم.

● لابد با هم زیاد تمرین داشته‌اید؟

بله، حتی با هم قلۀ توچال را هم با موتور فتح کرده‌ایم!

● تصور همه این است که قاعدتاً خانم‌ها سراغ ورزشی مثل موتورسواری نمی‌روند. اساساً ظرافت زنانه با ورزش سخت و مردانه‌ای مثل موتورسواری جور در نمی‌آید...

اتفاقاً من برعکس این نظر فکر می‌کنم. خانم‌ها نسبت به آقایان ترس بیشتری دارند که البته بهتر است بگویم احتیاط بیشتر. اما همین احتیاط بیشتر وقتی با ظرافت زنانه جمع شود باعث پیشرفت سریع خانم‌ها می‌شود. مثلاً خانم‌ها در موتورسواری کمتر زمین می‌خورند.

● فکر زمین خوردن با موتور باید خیلی وحشتناک باشد، نه؟

این را بگویم که من اصلاً به شکل خطرناکی زمین نخورده‌ام. گفتم که خانم‌ها بیشتر به حرف‌های مربی‌شان گوش می‌دهند و نکته‌ها را بیشتر می‌گیرند خود من همیشه در حال دقت به تکنیک قهرمانان بزرگ هستم و کلی فیلم و تصویر از خارجی‌ها دیده‌ام. ما از مردان تیزبین‌تر هستیم...

● با سنگینی موتور چگونه کنار می‌آید؟

بله، واقعاً وزن موتور نسبت به زور خانم‌ها سنگین است اما کلاً موتورسواری باعث افزایش آمادگی جسمانی خانم‌ها می‌شود و به آنها روحیه بیشتری می‌دهد.

● این را که بعضی‌ها می‌گویند زنان زن رانندگی ندارند قبول دارید؟

از نظر علمی نمی‌توانم در این زمینه اظهار نظر کنم اما

کلاً رانندگی یک‌جور تمرین

است. به نظر من زنانی

که تمرین کافی دارند

بهرتر از آقایان رانندگی

می‌کنند چون دقت

بیشتری دارند.

نورا نراقی (سمت راست) به همراه پدر و مادر قهرمانش

● البته شما که زن موتورسواری دارید احتمالاً آن را از پدرتان به ارث برده‌اید.

نمی‌دانم. البته پدرم موتورسواری را به من آموزش داد و همه ریزه‌کاری‌ها و مهارت‌ها را خیلی خوب برای من تشریح کرد. کار خیلی سختی بود که ایشان انجامش دادند. مساله مهم این است که ما هیچ پیست استاندارد برای آموزش نداشتیم. حتی مواقعی بود که من احساس ناامیدی هم می‌کردم اما همسرم که خودش یک موتورسوار است به من خیلی روحیه داد. باشگاه زانیار هم خیلی کمک کرده که موتورسواری خانم‌ها را بیفتد.

● سراغ ورزش دیگری نرفتید؟

چرا، من همین حالا ورزش‌های دیگری هم انجام می‌دهم؛ والیبال، بدنپنتون، اسکیت و از همه مهم‌تر دوچرخه‌سواری که برای ما خیلی مهم است.

● شده تا حالا هنگام موتورسواری دچار ترس و وحشت شوید؛ مثلاً قبل از اولین پرش؟

بله، راستش من خیلی محتاط هستم؛ آن قدر که حتی به ترس هم تعبیر می‌شود. فکر می‌کنم ترسو بودن لازمه این ورزش است. اگر احتیاط نکنی ممکن است اتفاقات بدی بیفتد. بنابراین وقتی می‌خواهم از مانعی بپریم حتماً از بزرگ‌ترها مشورت می‌گیرم و کلی تمرین می‌کنم.

● یعنی بدون ریسک رانندگی می‌کنید؟

بله، تقریباً تا مطمئن نباشم، حرکتی انجام نمی‌دهم. قبلش حتماً محاسبه لازم را انجام می‌دهم و تمرین می‌کنم. مخصوصاً اگر بخواهم تکنیک تازه‌ای را اجرا کنم حتماً مشورت می‌کنم تا حرکت را بدون ترس و با سرعت لازم انجام دهم. دوست دارم در کارم محکم باشم.

● جالب است که پدرتان شما را از موتورسواری به خاطر خطر آتش دور نگرده؟

اتفاقاً ایشان خیلی تاکید دارد که بدون تایید مربی‌ام کاری نکنم و خیلی روی ایمنی و اطمینان موتورسوار تاکید دارد. وقتی لباس ایمنی مناسب موتور خوب داشته باشی، مشکل خاصی به وجود نخواهد آمد.

● موتورسواران معمولاً بدنشان پر از زخم و آسیب‌های مربوط به زمین خوردن است. برای شما این اتفاق نیفتاده؟

چرا، من هم زمین خورده‌ام. حتی یکی دو هفته پیش بود که یک کله‌معلق حساسی زدم اما به خاطر لباس ایمنی طوری‌ام نشد. شاید آنهايي که از دور می‌دیدند، فکر کردند دیگر نتوانم از جایم بلند شوم اما خدا را شکر تا به حال آسیب جدی‌ای ندیده‌ام.

● برای ما رقابت شما و مادرتان در مسابقه اخیر خیلی جالب بود. چطور شد که شما بردید؟

خب نمی‌دانم. اتفاقاً مادر من خیلی جسور تر از من است اما فکر می‌کنم من به خاطر جوانی و آمادگی جسمانی بیشتر برنده شدم و گر نه مادرم از من جرات بیشتری دارد؛ شاید هم من محاسبه بیشتری می‌کنم و مطمئن‌تر می‌رانم.

● برنامه تمرین شما چطوری است؟

قاعدتاً باید هر روز یا یک روز در میان تمرین کنیم اما در بهترین حالت هفته‌ای دو بار تمرین می‌کنم. امکانات محدود است.

● فکر می‌کنید عده دختران ورزشکار موتورسوار بیشتری از این بشود؟

چرا که نه؟ من به خانم‌ها توصیه می‌کنم ورزش موتورسواری را تجربه کنند؛ هم به خاطر هیجان آن و هم اینکه باور کنند می‌توانند کارهای غیر عادی را هم انجام دهند. این برای روحیه‌شان خیلی خوب است.

